



Education and Philosophical Thought

By Kingsley Price
Edition: 2
Published by Allyn and Bacon, 1967
Original from the University of Michigan
Digitized Aug 3, 2006
605 pages

آموزش و اندیشه فلسفی

نوشته: کینگزلی پرایز
ویرایش: دوم
ناشر: آلن و باکن
سال انتشار: ۱۹۶۷
تعداد صفحات: ۶۰۵
قابل دسترسی از طریق نشانی اینترنتی:

<http://www.questia.com/PM.qst?d=8103142>

آموزش و اندیشه فلسفی صفحه ۲۸۴

گزاره‌های زبانی ما از گزاره‌های ذهنی ما حکایت می‌کنند، زیرا واژه‌ها انگاره‌های ما را ذکر می‌کنند و فعالیت‌های ما را نشان می‌دهند. ما درباره گزاره‌های زبانی خود دو فرضیه مهم می‌سازیم. در فرض اول تصور می‌کنیم که دیگرانی که به زبان ما سخن می‌گویند نسبت به انگاره‌ها و فعالیت‌های ذهنی خود واژه‌هایی همانند را به روش‌هایی یکسان به کار می‌گیرند و در فرض دوم می‌پنداریم که هر گزاره زبانی‌ای که انگاشته می‌شود نشانگر اشیائی خارجی است و به گروهی از این اشیاء که با یکدیگر وابستگی دارند اشاره می‌کند. این وابستگی به نحو موافقت یا مخالفت در انگاشت آن‌هاست. بدون لحاظ فرض اول [همسانی با دیگران در استخدام واژگان] هیچ ارتباطی با زبان حاصل نخواهد شد و بدون لحاظ فرض دوم [نسبت داشتن واژگان با حقایق خارجی] قادر به سخن گفتن درباره جهان خارج از ذهن خود نخواهیم بود. با این وجود **لاک**^۱ اصرار دارد که اگر چه فرض‌هایی برای استفاده از زبان وجود دارد - نه فقط بخشی از استفاده آن - اما واژه‌ها به درستی برای حکایت یا نشانگری از مفاهیمی استفاده می‌شوند که همیشه در ذهن خود ما هستند [اگر چه واژگان فرض همسانی دارند، ولی مفاهیم ذهنی ما قابلیت همسانی در ذهن دیگران ندارد].

شناخت‌شناسی و آموزش

اجازه دهید اکنون پرسشی را در راستای شناخت‌شناسی **لاک** بر پایه تئوری آموزشی او مطرح کنیم. آخرین جمله [نقل شده از لاک] مرکب از عباراتی است که [از یک سو] وابستگی به طبیعت وجودهای بشری، خانواده، مدرسه و جامعه دارد و [از سوی دیگر] وابسته به روش‌هایی که معین می‌کند کدام یک؛ نجیب‌زادگان یا کارگران، باید در جهت دستیابی به رفاه عمومی آموزش ببینند. این مطلب بیانگر این است که رضایت‌مندی و خوشحالی هر فرد در بعضی زمان‌ها محدود شده است، هر چند توسط دیگران. [در این حالت] فرمانبردار بودن نیز به خوبی پرتیر بودن یک نجیب‌زاده برای جامعه رضایت‌مندی فردی به حساب می‌آید.

بر اساس نگرش **لاک** در آموزش نجیب‌زادگان، شناخت‌شناسی او در چه جهتی است؟ به نظر می‌رسد که [این آموزش] در سه لایه باشد. ① روشی را برای قضاوت در هدف‌گذاری آموزش اخلاقی آن‌ها، ② روشن کردن هدف‌گذاری آموزش عقلانی آن‌ها و ③ بخشی از روشی برای این دو را فراهم می‌نماید.

هدف کوتاه‌مدت از آموزش اخلاقی دستیابی به عاداتی است که پس از فعال شدن این افراد را برای بروز رفتارهای فضیله‌آمیز، خردمندانه و اصیل تمرین دهد. برای پرورش چنین عاداتی دانستن صحت کامل فعالیت‌هایی که توجیه‌کننده آن‌هاست به وضوح سودمند است. شناخت‌شناسی **لاک** به ما اطمینان می‌دهد که می‌توانیم به طور قطعی در این رتبه قرار گیریم. به عنوان نمونه می‌شود ثابت کرد که نگرش‌های راستگویی و درستی با هم هماهنگی دارند، ولی بی‌رحمی و

درستی ناهماهنگ هستند. فرضیه‌های اخلاقی هر چند قابل اثبات می‌باشند، اما برای هیچ یک از آن‌ها چنین اثباتی فراهم نشده است و این قابلیت نشان می‌دهد چگونه اهداف آموزش اخلاقی یک نجیب‌زاده می‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد.

آموزش و اندیشه فلسفی صفحه ۲۸۵

هدف کوتاه‌مدت آموزش عقلانی دستیابی به عشق دانستن است. این عشق آرزویی است که در هنگام فراهم شدن فرصت دستیابی به دانایی حقیقی خود را به تحقق می‌رساند. این همان عادت به دانستن است. اما عادت قدرت انجام کار است که با انجام چندباره و تکرار آن به دست می‌آید و این مطلب روشن می‌سازد که عشق به دانستن نمی‌تواند عادت را ایجاد کند، بدون آن‌که در چند فرصت حقیقتاً بیاید و چیزی بیاموزد. دیدگاه **لاک** در مورد دانش حقیقی نشان می‌دهد که باید به ذهن دانش‌آموز در راستای دستیابی به عادت عشق‌ورزی به دانش کمک کرد. دیدگاه او در خصوص دانش مبتنی بر عادت نشان می‌دهد که چگونه عشق در آن اشراب شده است. این امر هدف از آموزش عقلانی را روشن می‌سازد و ارزشی کاربردی دارد. عدالت، الهام، ایمان، خرافه و خطا، همگی ما را به دانش دعوت می‌کنند و کسی که به وضوح می‌بیند کدام دانستی در آن ترکیب شده است در خرافه پنداشتن دعوی اصیل خطا نخواهد کرد.

روش آموزش اخلاقی و عقلانی، هر دو به نظر می‌رسد وام‌دار تئوری دانش **لاک** باشند. گفته او در ابتدا به ما می‌گوید که هر نگرشی ساده یا پیچیده است که نگرش ساده باید از احساس یا اندیشه سرچشمه گرفته باشد و هر ادراکی بسته به خصوص درک کردن نسبت‌ها، نسبتی از موافقت یا مخالفت بین نگرش‌هاست. **لاک** استدلال می‌کند که مثال‌هایی از فعالیت اخلاقی و اشیاء حقیقی به همان خوبی بازنمایی آن‌ها است. مانند استفاده از افسانه‌های اخلاقی، کره‌ها و نقشه‌های جغرافیایی که باید در راستای آموزش عقلانی و اخلاقی به کار گرفته شوند. به نظر می‌رسد دلیل این امر این باشد که در این روش آن نگرش‌های ساده که ممکن است خارج از عادات و اندیشه‌ها شکل گرفته باشد در کنش و واکنش [حسی] برای دانش‌آموز فراهم شود. در گام دوم، **لاک** روشی را پیشنهاد می‌کند که در استدلال با کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد، همان‌گونه که ما نیز شاهد آن بوده‌ایم. منظور او از «استدلال» حداقل استفاده از زبان است. به نظر می‌رسد این توصیه تأکیدی بر این مطلب است که شخص باید نگرش‌های خود را با واضح کردن واژه‌هایش به وضوح برساند. از این رو، معلم می‌بایست با فرآیند تعریف به نگرش‌های ذهنی دانش‌آموز به خوبی دست یابد. علاوه بر این، در گام سوم، توصیه می‌کند که دانش‌آموز باید به گونه‌ای به سوی دانستن هدایت شود که بتواند به خوبی به محض ارائه شواهد و مثال‌ها از سوی معلم آن‌ها را مورد قضاوت قرار دهد. این کار آن‌چه را که او می‌داند از طریق درک مستقیم [شهودی] نیز در اختیارش قرار می‌دهد، با فرآیند: «در کنار هم قرار دادن و برقراری ارتباط منطقی در جهت رسیدن به اهدافی که در نظر دارد به وسیله ساده‌ترین و غیر ترکیبی‌ترین اجزایی که او می‌تواند اشیاء را به آن تجزیه کند»^۲. **لاک** روش‌های ادراکی، شهودی و برهانی برای دانستن و یافتن شواهد برای قضاوت را به عنوان این که روش‌هایی برای تعلیم نیز باشند مورد استفاده قرار می‌دهد.

آموزش افراد فقیر و مستمند به گونه‌ای طراحی شده است که آن‌ها را اعضای صرفه‌جو و مقتصد غیروابسته برای اجتماع بسازد. **لاک** به عنوان قضاوت [ارزشی] در این هدف چیزی نمی‌گوید. احتمالاً او این دلیل را ذکر خواهد کرد که زندگی مستقل قابل احترام برای کارگران سهم آنان از رفاه عمومی است و نجیب‌زاده از جایگاه قدرت سیاسی خود آن را وعده خواهد داد.

آموزش و اندیشه فلسفی صفحه ۲۸۶

تئوری دانش **لاک** روشی را برای قضاوت در خصوص هدف اخلاقی آموزش نجیب‌زاده ارائه می‌کند؛ فعالیت‌های کاملاً عادت‌ی به صورت مستدل صحیح هستند. این تئوری تحلیلی از دانش، عدالت و ایمان و در نتیجه تحلیلی از هدف آموزش عقلانی فراهم می‌نماید. همچنین روشی از تعلیم را نیز به دست می‌دهد که استفاده عقلانی از زبان و [استفاده

عقلانی] از درک شهودی و در نتیجه [استفاده عقلانی] از حقایق را ممکن می‌سازد. اگر چه این روش آن‌چه را نجیب زاده باید به آن صورت ساخته شود می‌تواند به ما نشان دهد، اما نمی‌تواند به ما تضمینی دهد که روش‌هایش به هدف دست خواهند یافت. به این دلیل، این روش‌ها بیشتر به عنوان گزاره‌ای درباره آن [هدف] عمل می‌کنند تا روابطی از نگرش‌های وضع موجود یا رویدادهای قابل حسّ به یاد مانده که می‌تواند موافقت یا مخالفت را بپذیرد. [یعنی: قابلیت صدق و کذب داشته باشد]. همچنین نمی‌تواند به ما تضمین دهد که در واقع امر، نجیب‌زاده شکل‌یافته بتواند خود را حافظ رفاه عمومی قرار دهد. این چیزی است که باز هم به جای ارتقاء اطمینان ما، آن را فرو می‌ریزد. باور قوی **لاک** به این‌که آموزش نجیب‌زاده با توجه به توصیه‌های او باید شخصیت نجیب‌زاده را رضایت‌مند و مفید برای جامعه قرار دهد، با توجه به تئوری خود او از دانش، تنها مبتنی بر این قضاوت است که فعالیت‌های آموزشی در آینده تأثیراتی را خواهند پذیرفت که ما در گذشته مشاهده کرده باشیم و مبتنی بر این ایمان که خدا جهان را به گونه‌ای ساخته است که آن [روش]‌ها بتوانند کاملاً مؤثر باشند.

اخلاق

اندیشه‌های اخلاقی **لاک** به دو مبحث وابسته است: مطابقت گزاره‌های اخلاقی با طبیعت و انواع رفتارهای فردی و اجتماعی که بایست رخ دهد. این دو مبحث در نوشته‌های او کاملاً جداگانه هستند، اما در این جا ما اتصالی شایسته به آن‌ها خواهیم داد.

[این واژه‌ها در این نوشته به این معانی ترجمه شده‌اند:]

Certainty	Certain	Reflections
یقین	قطعی	اندیشه‌ها
Beyond	Demonstrably	Proper
به جای	اثباتی و استدلالی	شایسته
Pedagogical	Right	Quite
آموزشی	صحیح	کاملاً
a matter of	Consequently	Presumably
مبتنی بر	در نتیجه	احتمالاً
Concern	Rational	Promise
وابستگی	عقلانی	وعده دادن
Proposition	Intuition	Reference
گزاره	درک شهودی	استناد
Justification	Assure	Harness
مطابقت	تضمین کردن و اطمینان دادن	تحت کنترل درآوردن
Conduct	Present	Compelling
رفتارها	وضع موجود	متقاعد کردن
Ought	Sensible	aimed at
بایست	قابل درک با حسّ	در جهت
Topic	Perceived	Breeze
مبحث	درک شده	تمرین دادن
	Fall	Alike
	فرو ریختن	همانند
	Extend	Expression
	ارتقاء دادن	عبارت

^۱ جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴م)، فیلسوف انگلیسی، [و یا] آلن لاک (۱۸۸۶-۱۹۵۴م)، آموزش‌پژوه و فیلسوف آمریکایی

^۲ اندیشه‌ها، ص ۱۹۵